

شرايط سياسي - اجتماعي جمهوري آذربايجان و اوضاع شيعيان

اکثریت در بند

گفت و گو با دکتر حسین احمدی

محمد مهدی رحیمی
 شاید بیوه نباشد اگر جمهوری آذربایجان را اسلامستیز نبین کشور اسلامی دنیا بدانیم. کدام کشور اسلامی را می توان بسراح گرفت که حجاب در آن منع نباشد، پخش اذان با محدودیت مواجه نشود و به اشکال گوناگون از ساخت مسجد در آن میانعت گردد؟ آن هم در شرعاً بطي که برای بیرون سایر اديان و فرقه ها زمنه انواع فعلیت های علني و تبلیغی فراهم است تا آنجا که رئيس جمهوری شیعه آذربایجان در ابتدائي سال تعصیلی جدید برای حضور در مدارس، مدرسه های جدید التاسیس بیودایران را تاخته با می کند برای آشنايی بیشتر با اوضاع و احوال سياسي و اجتماعي اين کشور کوچک و همسایه شمالی ايران به سراح دکتر حسین احمدی، از کارشناسان خبره و بنام حوزه قفقاز فتيم و ساعتني را ايشان به گفت و گو نشستيم. دکتر احمدی آشنا به زبان هاي روسى، انگلیسي و ترکى و صاحب تأثیرات و مقارات متعددی از جمله کتاب های «ناشنان» (از دوره صفویه تا پایان جنگ دوم ایران و روس) و «رساله و گزارش درباره تالش شمالی» است و در حال حاضر استاد دانشگاه و مسئول حوزه سياست خارجي مؤسسه مطالعات تاريخ معاصر ايران است.

◆ بحث ابتدائي در سارهه تاریخچه آذربایجان
 است: یعنی چگونه جمهوری آذربایجانی پدید
 آمد که در حال حاضر مدعی الحق آذربایجان
 جنبی به خود است؟

تا پیش از انعقاد عهدنامه گلستان (سال ۱۸۲۴/۱۸۲۵ق) اران و شیروان جزئی از خاک ایران بودند، اما پس از آن، چهارده شهر قفقاز از ایران به روسیه ملحق گردیدند در جنگ های دوره دوم ایران و روسیه و بهمنیه پس از امضای عهدنامه ترکانچای سه شهر نخجوان، اردبیل و ایروان نیز از خاک ایران جدا شدند و جزء قلمرو روسیه درآمدند. این شهرها از آن زمان تا حدود صد سال بعد جزء خاک روسیه بودند، اما در سال ۱۹۱۸م سرزمین آذربایجان، قفقاز، ارمنستان و گرجستان اعلام استقلال کردند، با این حال دوره استقلال آنها بيش از دو سال طول نکشید؛ زیرا شوروی



بود که سیاست‌های توسعه‌طلبانه روسیه و سپس شوروی سبب جدیابی آنها شده بود. به دلیل وجود همین احساس بود که پس از فروپاشی شوروی بر عامل زبان، که رکنی ثالتوی در مبانی قویت است، تأکید بسیار شد با آگاهی از این موضوع که این عامل، به دلیل تعدد زبان و لهجه در ایران می‌تواند در جایی مردم آذربایجان از ایران مؤثر عمل کند، همچون اینرا مهم در اجرای سیاست هویت‌سازی به کار گرفته شد. در حال حاضر فضای نامساعد حاکم بر این کشور در مورد ایران و دنبیت مسموم بسیاری از جوانانشان نسبت به مردم ایران از موقعیت سرمدیاران این کشور در اجرای این سیاست پرده بر می‌دارد.

◆ این فضای مسمومی که می‌فرمایید صرفاً خواست‌حکومتشان است یا تصمیم‌گیرنده‌های خارج از مرزهای خواهان آن هستند؟ سرنشیه امور سیاسی و اقتصادی این کشور را فقط سه درصد از مردم جمهوری آذربایجان، که اکثربنخجوانی از نزدیکان خانواده‌هایم علی‌اف هستند، در دست دارند. پهلوی‌ها نیز در قدرت در آذربایجان شکل گرفته است که در یک رأس این آذربایجان و در دو رأس دیگرش ترکیه و اسرائیل قرار دارند. این مثلث در پی آن است که از نفوذ ایران در منطقه و جهان اسلام بکاهد و آن را به قدرتی درجه دویس از ترکیه تبدیل کند؛ با توجه به همین تهدید، ایران باید مراقب باشد و از تمام ظرفیت‌هایش برای مقابله با این سیاست‌ها استفاده کند.

◆ در حال حاضر آیا آمار رسمی از میزان شیعیان آذربایجان وجود دارد؟ آمار جمهوری آذربایجان، به دلیل دولتی بودن محل اطمینان و اعتماد نیست. دلایل این موضوع مسائلی است که در ارتباط با تغییر جمعیت در روسیه و کشورهای تزارستان‌قلالیاتی منطقه‌رخداده است. هنگامی که شوروی فروپاشید جمیعت جمهوری آذربایجان حدود هفت میلیون نفر بود، اما در زمان جنگ قره‌باغ، حدود یک‌میلیون نفر از ارمنه‌ها و روس‌هایی که در آذربایجان زندگی می‌کردند، به خاطر فضای ضد ارمنی و ضد روسی ایجاد شده در این کشور، از آنجا مهاجرت کردند و ۱۵۰ هزار اکراینی هم خاک آذربایجان را ترک نمودند. در ایان ۱۳۸۹ مقامات روسی اعلام کردند که تعداد آذرنی‌های مقیم روسیه از میان سه میلیون نفر هم گذشته است (چون افراد زیادی از کشورهای منترک‌المنافق به روسیه مهاجرت کرده‌اند)، البته از میان این سه میلیون مهاجر، سیصد هزار نفر از ارمنستان به این کشور رفتند؛ روسیه زندگی می‌کردند، یا اینها از سال ۱۹۹۱ (۱۳۷۰) به بعد به روسیه مهاجرت کردند. با وجود این جله‌هایی‌ها، چگونه ممکن است که بر اساس آمار رسمی جمهوری آذربایجان، جمعیت هفت میلیونی این کشور به نه میلیون نفر رسیده باشد! این در حالی است که پس از فروپاشی شوروی، جمعیت تمام کشورهای مشترک‌المنافق رشد

تشیع داشتند. دلیل آنها برای مخالفت با این اقدام شاه اسماعیل، اختلافی بود که در نتیجه آن میان «برادران ترک» این منطقه پدید آمد و آنها را به دو گروه سنی مذهب (در شمال و شیعه در جنوب) تقسیم کرد؛ اختلافی که هنوز هم آثارش باقی مانده است.

هدف از ضدیت با شیعیه، تضعیف این مذهب و دور ساختن مردم از ارزش‌های والای شیعی و سپس وارد نزد ضربات اساسی برای تغییر مذهب یا حاصل نویی بی‌تفاوتو نسبت به تشیع بود که آنها ایک گام به مقصد اصلی شان، یعنی ایرانی‌ستیزی، نزدیک می‌کرد؛ زیرا از راه تخریب همان فرمول ساختگی شوروی در آغاز جنگ چنان‌جهانی دوی، که آذربایجان ایران‌آذربایجان جنوبی معرفی می‌کردند و ستم ملی فاصله‌های محروم بودند بلکه ملت بودند و در نتیجه ساختگی حکومت‌مداری و دولت‌مداری در دل حکومت ایران را داشتند، ولی آذربایجانی‌ها چون از چنین ساقیه‌ای محروم بودند می‌دانستند، استفاده نمودند. اندیشه آذربایجان چیزی بدن آذرنی‌های ایران نویی بود است.

بنابراین مردم آذربایجان از این مقدمه بین می‌رفت.

سیاست دیگری که برای تخریب چهره ایران در پیش گرفته شد تبلیغات گسترده در مطبوعات و رسانه‌ها و بیان این مطلب بود که ایران در جنگ قربانی به ارمنه‌ها کمک کرده، اما برای کمک به آذرنی‌ها اقدامی انجام نداده است. این اتهام در حالی به ایران وارد می‌شد که در زمان جنگ در دوره حیرعلی اف در مستور کار قرار گرفت.

تولید ادبیات گسترده‌ی این سند و مدرک بود. با پیگیری این بنامه، تاریخ آن چنان مستکاری شد که بهت و حیرت پژوهشگران بی‌طرف و فرامرزی را برآورده است. در این تاریخ‌سازی، پیشیه

در قالب مفهوم «آذربایجان چیلیق» مطرح کرد. اینچه در اجرای این برنامه لاذش می‌شد اثبات گرد «هویت مستقل و متفاوت آذرنی از ایران» بود؛ زیرا چنین تصویر می‌گردید که هدایت مفهوم آذرنی در حیطه جمهوری آذربایجان پاسخگوی نیازهای هویتی این کشور نویا نیست؛ چون آذرنی‌های ایران سهم سازی‌ای در فرهنگ و مذهب جامعه مسلمان قفقاز داشته‌اند. بنابراین برای جلوگیری از تداوم این تأثیرگذاری و تأثیرگذاری متفاصل از همان فرمول ساختگی شوروی در آغاز جنگ چنان‌جهانی دوی، که آذربایجان ایران‌آذربایجان جنوبی معرفی می‌کردند و ستم ملی فاصله‌ای محروم بودند می‌دانستند، استفاده نمودند. اندیشه آذربایجان چیزی بدن آذرنی‌های ایران نویی بود است. این در حالی است که ارمنه‌ها و گرجی‌ها به دلیل سابقه حکومت‌داری هویت خود را بامسیحیت گره زده و هویتی مستقل از هویت ایرانی برای خود تعریف کرده‌اند.

◆ بنابراین مردم آذربایجان رنگ و بوی ایرانی و حتی شیعی قوی دارند؟

بله؛ زندگی ایرانی و شیعی مردم این منطقه به زمان فروپاشی شوروی و بحران هویتی که برای آنها پیدید آمد باز مردمی گردید به دنبال فروپاشی شوروی، مردم آذربایجان می‌خواستند هویتی مستقل از شوروی و ایران برای خود تعریف کنند، اما چون هویت‌سازی کاری تاریخی دارد، چنین کاری ممکن نبود؛ از این‌رو میل می‌گردیدن به فرهنگ ایران یا روس، گزینه‌ای اول انتخاب کردند؛ زیرا فتار روس‌ها در دوران پس از جنایت از ایران، زمینه‌هایی در فرهنگ روسی را در میان مردم آذربایجان فراهم کردند. این در حالی بود که در دل مردم این سرزمین تعاقب خاطری نسبت به ایران و فرهنگ ایران احساس می‌شد که نشانه آن حرکت همراه شوق و ذوق فراوان آنها به سمت رود ارس در همان روزهای اول پس از فروپاشی شوروی، برای یافتن نیاکان خودشان در این سوی آب بود؛ زیرا پدربرزگ یا مادربرزگ بیشتر اهالی گرجی از اینها شدند؛ آذربایجان و گاه حقی هردو آنها ایرانی هستند؛ برای مثال پدربرزگ خان مهریان علیف، همسر رئیس جمهوری آذربایجان، اردبیلی است.

حرکت ملت آذربایجان به سوی میزان ایران هشدار جدی به سران قدرت در این کشور بود؛ زیرا این احتمال را در نهن آنها قوت می‌بخشید که در آینده آذربایجان در فرهنگ شیعی و ایرانی هضم شود. سکسته‌های پی در پی در جنگ قراباغ، که جایه‌جایی بسیاری در سطوح بالای قدرت ایجاد شدند، بلکه دلایل این نویسندگان از این محدود نکردند تا اینکه از زرتشتی گری راه را هم در پیش گرفتند تا ایلیانی همچون زرتشتی گری راه را هم در پیش گردید؛ زیرا سخن از زرتشت و تمایل به آن دین، با توجه به اینکه ایران پایاکا اولیه زرتشت بود، هویت مردم این منطقه را به ایران پیوند می‌زند.

بر اساس این رویکرد دینی یا به عبارتی ضد دینی، در کتاب‌هایی که موضوع آنها شرح تاریخ آذربایجان ازدیادی می‌گردند، پیش‌گذاشتند که موضع محمد (ص) محمد مکانی، حکومت شود افراط‌گرایی قومی و پان‌ترکیسم مطرح شد و تلاش گردید با اولویت قرار دادن آن، بحث معنوی کمزگ شود. اما این اقدامات ایلچی‌بیگ، جمهوری آذربایجان را تا میز فروپاشی بیش برده؛ از همین‌رو در دوره آقای حیدر علی‌اف بازگردی در این سیاست در دستور کار قرار گرفت و با رویکرد شرق‌شناسانه شوروی، اندیشه وحدت آذربایجان را

میلیون دلار مواد غذایی به این کشور فرستاد، اما بن مبلغ هنوز بازگردانده نشده است. آنها با وجود این کمکها و فقدان مدرکی دار بر کمک ایران به ارائه‌یاری در جنگ قربانی، همانگاه با طرح ضد ایرانی خود به تبلیغات دروغ اعلیه ایران ادامه می‌دهند.

◆ آنها برای ایجاد هویت مستقل و پوشاندن ساخته‌شان چه می‌کنند؟ تاریخ‌سازی یکی از اقاماتی است که آنها برای این منظور انجام دهند. این کشور خود هستند. برای این منظمه منضم شد و قسمت جنوبی جزء خاک ایران در آمد؛ قسمت شمالی این کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آزاد شده، اما قسمت جنوبی همچنان در دست ایران است و مردم آذربایجان خواستار آزادی قسمت جنوبی کشور خود هستند.

کشور آذربایجان به زمانی بیش از پیدایش ایران برگردانده شد و ادعای گردید که در عهدنامه گلستان و ترکمانچای قسمت شمالی این کشور به خاک روسیه منضم شد و قسمت جنوبی جزء خاک ایران در آمد. بر اساس این مدعای قسمت شمالی این کشور پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی آزاد شده، اما مقسم جنوبی همچنان در دست ایران است و مردم آذربایجان قسمت جنوبی کشور خود هستند.

کشور آذربایجان به زمانی بیش از پیدایش ایران برگردانده شد و ادعای گردید که در عهدنامه گلستان و ترکمانچای قسمت شمالی این کشور به خاک روسیه منضم شد و قسمت جنوبی جزء خاک ایران در آمد؛ قسمت شمالی این کشور تاریخی نگاشته شده در این زمینه، که بین این از جنگ قربانی، همانگاه با طرح ضد ایرانی خود به تبلیغات دروغ اعلیه ایران ادامه می‌دهند. این کشور خود خان مهریان علیف، همسر است و از همین‌رو مردم آذربایجان خواستار آزادی قسمت جنوبی کشور خود هستند. سیاست، سرمدیاران اینها قوت می‌بخشید که در اینده تاریخ‌تازه‌تایسی همان رویکرد ضد دینی شوروی را در پیش گرفتند. آنها صدیقیت خود را بازگردانند؛ آذربایجان و گاه حقی هردو آنها ایرانی هستند؛ برای مثال پدربرزگ خان مهریان علیف، همسر رئیس جمهوری آذربایجان، اردبیلی است.

حرکت ملت آذربایجان به سوی میزان ایران هشدار جدی به سران قدرت در این کشور بود؛ زیرا این احتمال را در نهن آنها قوت می‌بخشید که در آینده آذربایجان در فرهنگ شیعی و ایرانی هضم شود. سکسته‌های پی در پی در جنگ قراباغ، که جایه‌جایی بسیاری در سطوح بالای قدرت ایجاد شدند، بلکه دلایل این نویسندگان از این محدود نکردند تا اینکه از زرتشتی گری راه را هم در پیش گرفتند تا ایلیانی همچون زرتشتی گری راه را هم در پیش گردید؛ زیرا سخن از زرتشت و تمایل به آن دین، با توجه به اینکه ایران پایاکا اولیه زرتشت بود، هویت مردم این منطقه را به ایران پیوند می‌زند.

بر اساس این رویکرد دینی یا به عبارتی ضد دینی، در کتاب‌هایی که موضوع آنها شرح تاریخ آذربایجان ازدیادی می‌گردند، پیش‌گذاشتند که موضع محمد (ص) محمد مکانی، حکومت شود افراط‌گرایی قومی و پان‌ترکیسم مطرح شد و تلاش گردید با اولویت قرار دادن آن، بحث معنوی کمزگ شود. اما این اقدامات ایلچی‌بیگ، جمهوری آذربایجان را تا میز فروپاشی بیش برده؛ از همین‌رو در دوره آقای حیدر علی‌اف بازگردی در این سیاست در دستور کار قرار گرفت و با رویکرد شرق‌شناسانه شوروی، اندیشه وحدت آذربایجان را

تحت فشار خارجی‌ها در پارلمان جمهوری آذربایجان برای قانونی کردن همچنین بازی بحث‌ها و مذاکرات بسیاری انجام شد. گرچه این موضوع به دلیل فضای ایجادشده مسکوت مانده است، باز این پوشش مطرح می‌شود که در کدام کشور اسلامی این بحث در پارلمان طرح گردیده است؟!

مسلمان‌هار روز قدس اجازه راهپیمایی ندارند و در صورت اقامه‌ای کار با آنها به شدت مقابله می‌گردد. این در حالی است که یادبود هولوکاست هر ساله با تشریفات و حضور مقامات بلندپایه آذربایجان در این کشور برگزار می‌شود:

آذربایجان تنها کشور مسلمانی است که به افغانستان و عراق سریاز اعزام کرده است

اولین کشور مسلمانی است که مساجد را تخریب کرده است. نکته در خور توجه این است که مسجد پیامبر(ص) و مسجد واشلاری چند روز پیش از سفر پرز به جمهوری آذربایجان تخریب شد، که این خود نوعی هشدار است. البته بهانه تخریب این مساجد نمازگزار نداشتن یا صادر نشدن مجوزی برای ساخت آن عنوان گردیده، و این در حالی است که اگر مسجد مجوز نداشت اجازه ساخت آن داده نمی‌شد

شدن، به دلیل زمینه حضوری که برایشان فراهم بود افزایش یافته‌است. الله شکور پاشزاده، رئیس اداره روحانیان قفقاز، گفته است: «به هیچ فرقه منهی در جمهوری آذربایجان به اندازه فرقه وهابیت اجازه فعالیت داده نشده است». آنها یکی که به وهابی‌ها پیوسته‌اند در بیان علل گرویند خود به این فرقه از مشکلات مالی و بیکاری سخن می‌گویند و مبالغی را که برای شرکت در جلسات‌شنan به آنها می‌دهند عامل تمایل خود به پیوستن به این فرقه می‌دانند، اما آنچه شاید در نگاه اول این افراد به آن توجه نکنند تأثیر بذیری از افکار آنها و تلاش سران این فرقه برای ترویج عقاید خود در میان آنها بروزه قشر جوان و نوجوانشان است. پرداخت پول و کمک مالی و غذایی به مردم شیعه منطقه لنکران نمونه‌ای دیگر از تلاش وهابیان برای جذب شیعیان به مذهب خود است. وهابی‌ها، که بیشتر از اهالی عربستان و گاه کویت و امارات و ترکیه هستند، با شعار یارگشت قربانی به بندۀ جمهوری آذربایجان و حدت آذربایجان شمالی و جنوبی فعالیت می‌کنند.

شعار دوم آنها از ضدیتشان با ایران، که کعبه آمال شیعیان آذربایجان به شمار می‌آمد، پرده برمی‌دارد. در حال حاضر ۱۵۰ مسجد در جمهوری آذربایجان در دست وهابی‌هاست که بیشتر آنها در یاکو و شمال این کشور قرار دارد. داشتگی و طلب‌های سیاری‌های از طریق این گروه به عربستان می‌روند و در آنجا کاملاً مجازی تحصیل کنند. این افراد پس از فراغت از تحصیل به تبلیغ برای وهابیت دست می‌زنند. افزون بر این شیوه از تبلیغ و حذب نیرو، سارمان‌های خیریه‌ای که زیر نظر پیروان این فرقه فعالیت می‌کنند و سیلیمان شده‌اند برای دعوت مردم به این مذهب گروه دیگری که در آن کشور فعالیت می‌کنند نورجی‌های ترکیه هستند که اعتقاد دارند از طریق فعالیت آموزشی با متدی‌های علمی روز یا بد برای اسلام تبلیغ کرد. این گروه در حال حاضر در دیبرستان‌که بیشتر فرزندان مسئولان آذربایجان، از جمله قدرتمدان سیاسی و اقتصادی، در آنها تحصیل می‌کنند. این مدارس تاکنون دو هزار فارغ‌التحصیل داشته‌که حتی یک نفر از آنها هم بیکار نمانده است. نفر دانش‌بیرون در این دیبرستان تحقیل می‌کنند. افزون بر این دیبرستان‌ها، دانشگاه قفقاز، شبکه تلویزیونی خزر، مؤسسه پیش‌دانشگاهی آزاد، مؤسسه تحصیلی یمنی چاغ (دورتاه) و روزنامه زمان از جمله مراکزی هستند که در اختیار سران این گروه قرار دارد. بخش عمده‌ای از برنامه‌های شبکه اس‌تی وی (STV) هم که در ترکیه پخش می‌شود با هدف

منفی داشته؛ برای مثال جمعیت ارمنستان از ۷/۵ میلیون نفر به ۲/۹ میلیون نفر و گرجستان از ۵/۵ میلیون نفر به ۴/۵ میلیون نفر رسیده است. روسیه نیز برای جلوگیری از رشد منفی جمعیتش، به هر فرد روسی که ازدواج کند سیزده هزار دلار می‌دهد. شبابان ذکر است که تنگی معيشت دسترسی آسان به جنس مخالف، افزایش سن ازدواج و نهایتاً سیستم تک‌فرزندی باعث رشد منفی جمعیت کشورهای مشترک‌المنافع شده است. اما پرسشی که در این زمینه مطرح می‌شود این است که براساس کدام سند علمی جمعیت این کشور در یک دوره پانزده ساله ۲/۵ دصد افزایش یافته و چرا در میان کشورهای مشترک‌المنافع فقط این کشور از رشد مثبت جمعیتی برخوردار بوده است؟ اگرچه در برایه جمعیت مسلمانان و شیعیان در آذربایجان نمی‌توان به آمار رسمی این کشور جذب گردیدند و بیشترشان هم در جنگ کشته

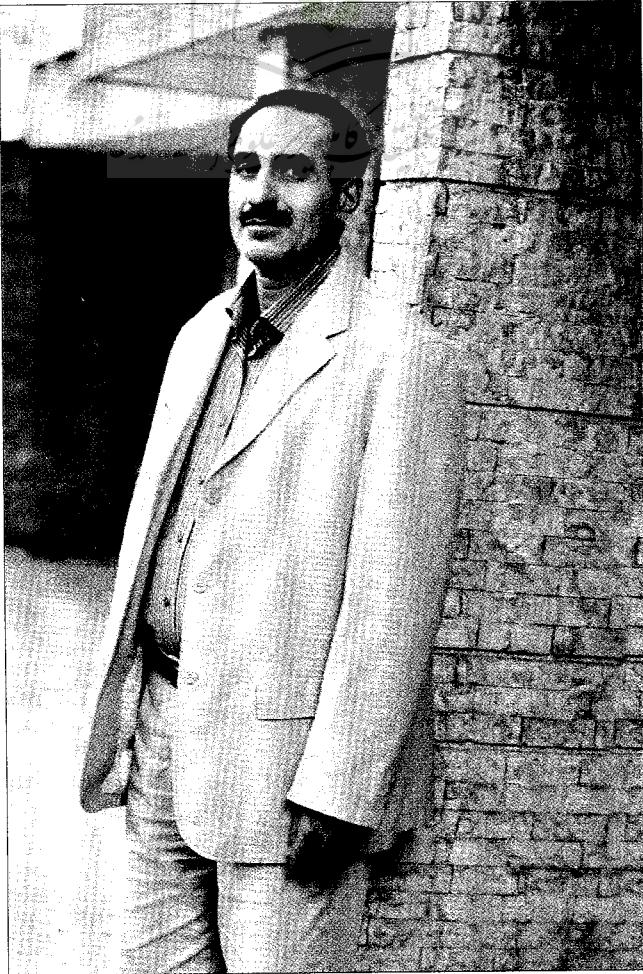
کدام حاکمیت کشور اسلامی جرئت کرده است در منع ورود دختران محجبه به مدارس بخشنامه صادر کند. این اقدام نه تنها با احکام دین اسلام، بلکه با موازین حقوق بشر در تناقض است. مقابله با حجاب، که مظہر و نمادی از مسلمانی است، در این کشور تابه آن حد است که براساس حکم فرماندار شهر یولاق خرد و فرووش با محجبه‌ها ممنوع است و اتوبوس‌ها جواز سوارکردن آنها به مقصد باکو را ندارند. این گونه اقدامات است که ما را به این پرسش و امی دارد که آیا واقعاً خود فرماندار چنین حکمی را صادر کرده است و پشت این قضیه فرادری وجود ندارد که شهر کوچک را به صدور چنین فرمانی و اداره

حاکمیت‌های کشورهای اهل تسنن اجازه عزاداری عاشورا و تاسوعا را به مردم می‌دهند، ولی در این کشور اجازه عزاداری در شهر باکو ممنوع است

در این کشور که بیشتر مردم آن شیعه هستند و اشخاصی که در جشن میلاد حضرت فاطمه زهرا(ع) شرکت کرده بودند بازداشت و به زندان محکوم شدند

غیر از جمهوری آذربایجان کدام کشور مسلمان است که مسلمانانش حق اقامه نماز در پادگان‌هار انداشته باشد

پرسش این است که چگونه پخش اذان از بلندگوی مساجد در جمهوری آذربایجان باعث اذیت و آزار مردم می‌شود، ولی موسیقی‌های شبانه‌روزی و باسرو صدای بسیار بلند ناراحتی مردم را به دنبال ندارد



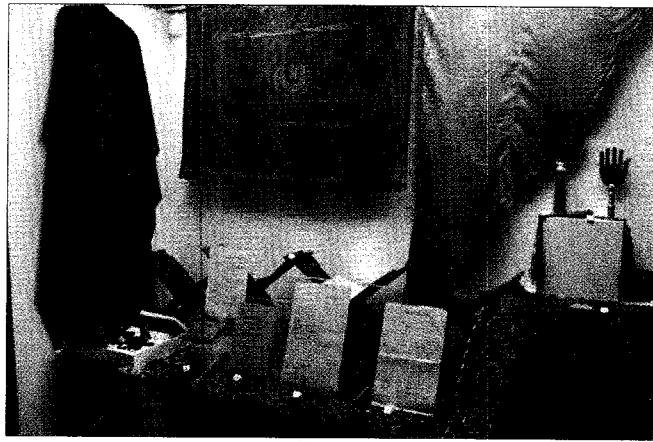
در هیچ کشور اسلامی به پیامبر اسلام (ص) تقدیم نشده است، اما رفیق نقی بف در نشریه «صنعت» که با حمایت شرکت بپ (Bp) انگلیس منتشر می‌شود، پیامبر اسلام را به حفاظت، جهالت، ظلم و ستم متهم کرده است. همان‌گونه که پیش ازین گفتگو، در کتاب‌های درسی این کشور هم به پیامبر (ص) اهانت می‌شود

جمهوری آذربایجان
به منزله کشوری
دارای اکثریت
شیعه در مقایسه با
کشورهای اسلامی
دیگر مشخصاتی دارد
که باور کردنی نیست

جمهوری آذربایجان
در میان کشورهای
اسلامی، به گواه
زماداران اسرائیل،
بهرترین روابط را با
این کشور دارد و باکو
 محل امن رفت و آمد
سران اسرائیل تلقی
می‌شود

جمهوری آذربایجان
چهارمین شریک
تجاری بزرگ اسرائیل
در جهان است

تنها کشور
مسلمانی است که
آیات شیطانی در آن
چاپ شده است (در
نشریه یونیکال به
صورت پاورپوینت)



هیچ سندی وجود ندارد که نشان دهد تا قبل از سال ۱۹۱۸، که دولت مساوات در باکو بر سر کار آمد، شمال ارس، آذربایجان نایابدی می‌شد.
واقعیت آن است که این سرزمین با نام اران و شیروان از دیرباز جزو خاک ایران بوده است. البته اقوامی که در این منطقه زندگی می‌کردند با هم تفاوت داشتند

مرکز تحقیقات کا توکر علوم اسلامی

کشور از برتر نمی‌گیرد و به همین دلیل نمی‌تواند بدنه را دچار مشکل کنند و لی مانی که قانون منع پخش اخان مطرح شد، دائم محدودیت آن نه تنها شیعیان بلکه اهل تسنن را نیز در برگرفت.

◆ رابطه شیعیان با اهل سنت به چه شکل است؟

تاکنون مشکل حادی بین شیعیان و سنتیها پیش نیامده است.

◆ وظیفه ما در برابر اقدامات دولت آذربایجان چیست؟

بیست سال است که ما استراتژی واحدی در مورد آذربایجان تدویری، تعدد مراکز تصمیم‌گیری تأثیرگذار در حوزه سیاست خارجی ایران و تأثیر افراد اداری خاستگاه‌های فویی پنهان در اتخاذ تصمیمات، نه تنها اختلاف نظر ما را در انتخاب سیاست مناسب نسبت به این کشور افزایش می‌دهد، بلکه بر دامنه مشکلات ایران با جمهوری آذربایجان می‌افزاید. اینکه ایران در مقابل جمهوری آذربایجان حالت تدافعی دارد به دلیل این صور است که بعضی از تصمیم‌گیران فکر می‌کنند در آنجا ظرفیتی بین‌المللی وجود دارد که ما می‌توانیم از آن برای توسعة روابط حداکثری خود استفاده کنیم، این در حالی است که در جمهوری آذربایجان، در سطوح بالا به شکل‌دهی سیاستی نوین در عرصه روابط ما با آذربایجان دست زند و کشور ما از سیاست تدافعی کوئی خارج نباشد. //

شده است و زیر نظر رئیس جمهور اداره می‌شود، کار صدور مجوز و ثبت مجتمع دینی را بر عهده دارد. از آنجاکه سیاست جمهوری آذربایجان مبارزه با مذهب شیعه است، مجوز برای مجتمع شیعی به سختی و با موافع بسیاری صادر می‌شود. این در حالی است که نام مجتمع دینی غیر شیعی، بوقیه وهابی، به صورت ۲۴ ساعته تبلیغ می‌شود. پخش مراسم کلیسا در باکو و اطراف آن یکی از برناهای این شبکه‌های ماهورهای است. تأسیس بیش از ده مرکز عبادی مسیحی، چهار انجیل و دعوت از مسلمانان به ویژه آنها که مشکل مالی دارند، مانند آوارگان قربانی، به دین مسیحیت - از اقامات تبلیغی دیگر است که برای گسترش مسیحیت در این کشور انجام می‌شود.

◆ با این میزان حجم فعالیت‌های تبلیغی، چگونه ۸۵ درصد از مردم آجاشیعه هستند؟ این کارهای فرهنگی در درازمدت نتیجه می‌دهند. هدف قرار دادن نسل جوان و نوجوان در این اقدامات هم از بازه زمان طولانی ثمردهی آنها حاکیت می‌کند؛ برای مثال در حال حاضر ترکیه سرمایه‌گذاری می‌کند تا در بیست سال آینده جمهوری آذربایجان را در قبضة خود درآورد.

◆ آیا شیعیان هم اقدامی برای جلوگیری از این اتفاق انجام داده‌اند؟ شیعیان آذربایجان آزادی لازم برای فعالیت‌های دیگر را ندارند؛ زیرا در کنار اداره روحانیان قفقاز، که الله شکور پاشا را دارد، کنار اداره روحانیان قفقاز، که دینی در آذربایجان وجود دارد که هر جماعت دینی برای فعالیت باید اجازه ای را داشته باشد. به سخن دیگر، این مرکز، که در دوره حیدرعلی اف تأسیس

◆ رابطه حکومت با اهل تسنن چطور است؟
وضیعت اهل تسنن آذربایجان مساعدت از شیعیان آنجلاست؛ زیرا آنها شمار زیادی از مردم آن